بیدادِ بیدار

تحلیل جامعه‌شناختی موسیقی مشکاتیان طی دوره فعالیت هنری‌اش

سروش ریاضی

پدیده‌های اجتماعی‌ای که مایه دل مشغولی هنرمندان و نقادان هنری و نقادان اجتماعی عصر پهلوی دوم بود موضوع موسیقی آن دوره را نیز تشکیل می‌داد. این موسیقی نیز برگرد چیزی دور می‌زند که برخی نقادان آن را مشکل «وضع جامعه ایران» می‌خوانند، و شرایط و اوضاع اجتماعی ناشی از ساتیماتالیسم را توصیف و تشریح می‌کنند.

موسیقی دانان آن دوره، همه‌ی کار خود را با ابراز گلایه‌هایی بر جامعه‌ی تجمل‌گرا آغاز می‌کنند. اما سرانجام اصول و الزامات آن را خواه با نظری خوش‌بینانه یا با درویش‌مسلکی می‌پذیرند، تو گویی فقط خواسته‌اند اجحافات آن را آشکار سازند و بر آن‌ها بتازند تا مانع از بروز تغییرات بنیادی عمیق‌تری گردند.

موسیقی اجتماعی ایران در عصر پهلوی، مانند آنچه که در دوره مشروطه اتفاق افتاد، در دهه ۵۰ شمسی ظهور می‌کند، و دوران رونق و شکوفایی آن، سال‌های متلاطم بین ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ است، و این هنگامی است که کشور در آستانه انقلاب قرار دارد. در اینجا، نیز موسیقی به مهم‌ترین شکل هنری تسلی بدل می‌گردد که هدف‌ها و معیارهای جامعه‌ی از خود فریفته را مورد چون و چرا قرار داده و می‌خواهد ظهور ناگهانی خطرآنی را که اینک حائش را تهدید می‌کنند برملا کند.

بین سال‌های پیشین و اوائل انقلاب ۱۳۵۷، بطور متوسط ده‌ها موسیقی‌ای با رویکرد اجتماعی منتشر شد و شمار آثاری که در این دوران عرضه شد، چند برابر آثار موسیقی اجتماعی است که طی چند دهه پیش از آن ارائه شده بود.

پرویز مشکاتیان، که موفقیتش به معنای پیروزی این رُخداد اجتماعی نیز بود، از تمامی مزایایی که با تودهای شدن موسیقی پیوند داشت لذت می‌برد. تماس مستمر با توده‌های وسیع مردم وی را در یافتن سبکی یاری می‌کند که در بهترین مفهوم کلمه مردم‌پسند است؛ وی یکی از آن قلیل هنرمندانی است که نه تنها بزرگ و عامه‌پسندند، و هرچند عامه‌پسندند، نه تنها بزرگند، بلکه به این علت بزرگند که از مقبولیت عامه بهره‌مندند. وی سبک باشکوه حماسی، با روانی ملودیک، و آن خلاقیت خودجوش و ساده و غیرمصنوع خود را، که در چند دهه‌ی جاری نظیر ندارد، به وفاداری شنوندگانش و احساس امنیتی مدیون است که محبت و لطف شنوندگانش به او القاء می‌کنند. از طرف دیگر، محبوبیتش تنها قسمتی از راز عظمتش به عنوان هنرمند را توضیح می‌دهد، چون برخی از هم قطارانش نیز به اندازه او محبوب و عامه پسندند، بی اینکه به هیچ وجه بزرگ باشند؛ و عظمتش راز محبوبیتش را تا این حد هم توضیح نمی‌دهد، زیرا برخی دیگر بزرگتر از او هستند و همچون او در سطح عوام می‌سرایند اما در کامیابی هرگز به پای او نمی‌رسند، هرچند آثار خود را تحت شرایط و اوضاع مشابهی می‌آفرینند.

مشکاتیان یکی از موفق‌ترین موسیقی‌دانان، و شاید یکی از بزرگترین موسیقی‌دانان محبوب و عامه این دوران است. طی چند دهه اخیر به این سو، یکی از معدود موسیقی‌دانان واقعاً بزرگی است که کارش از پهلو زدن به رسانه‌های دولتی -صدا و سیما- و جیره‌خواری از مجاری دولتی نتیجه نشد، بلکه مطلقاً منطبق بر خواست‌های اجتماعی و تقاضاهای شنوندگانش بود. وی از وجاهت و محبوبیتی برخوردار است که از زمان موسیقی‌دانان مشروطه به بعد نظیر ندارد. مشکاتیان کلیست و یکبارچگی جهان‌بینی خود را به این حقیقت مدیون است که هنگامی که با مخاطبینش سخن می‌گوید، نیازی ندارد به اینکه امتیازی به آن‌ها بدهد؛ افق فکری و عرفانی او در حد افق فکر و روح آن‌هاست و ذوقش در سطح ذوق آن‌ها و طبعش، اگرچه بسی غنی‌تر و قوی‌تر از طبع آن‌هاست، چون آنان، ساده و بی‌آلایش است. موسیقی‌دانان شیرین‌نواز روزگار ما، برخلاف مشکاتیان، همیشه احساس می‌کنند که باید خود را تا به سطح شنوندگانشان تنزل دهند، و این چیزی است که او را از آن دسته موسیقی‌دانان متمایز می‌کند و اصولاً بین مشکاتیان و شنوندگانش شکاف یا فاصله‌ای وجود ندارد. وی نه تنها آفریننده‌ی جامع‌ترین مجموعه‌ای از آواهایی است که به ساحت آگاهی عمومی و عالم روحانی شنوندگان ایرانی وارد شده‌اند، بلکه رابطه‌ی درونی‌اش با این آواها همان رابطه‌ای است که عامه شنوندگانش با آن‌ها احساس می‌کنند. آواهای مورد علاقه‌ی شنوندگانش آواهای مورد علاقه او نیز هستند و با همان لحن و احساسی از موسیقی‌دانان نامدار سخن می‌گوید که از یک نوازنده دوره گرد سخن می‌راند.

مشکاتیان با خلق اثر «بیداد»، موفقیتی برایش رقم زد، که علی‌رغم ممنوعیت انتشار این آلبوم طی سال‌های اولیه پس از انقلاب، هزاران شنونده شیفته موسیقی ایرانی از آن تغذیه شدند. این موفقیت روند فعالیت هنری‌اش را طی همان سال‌ها مشخص کرد. شنوندگان همیشه خواستار موسیقی‌های بیشتری از او بودند و او برای ارضای این تقاضای وسیع، طی همان سال‌ها با گروه عارف و غالباً به همراهی محمدرضا شجریان با حالتی تب آلوده و بی‌قرار کار کرد و چند اثر باشکوه در قالب ارکستر سنتی، ساز و آواز، تکنوازی، از جمله آستان جانان، مرکب خوانی در نوا، دود عود، دستان، جان عشاق، و... منتشر کرد. این دو یار موسیقی اصیل ایران، هرنو نمایندگان دوران رونق و اعتلای هنر واحدی هستند، و نیاز شیفتگان موسیقی اصیل مشتاق واحدی را تأمین می‌کردند؛ جامعتی که، پس از تلاطمات دوران ابتاشته از هیجان انقلاب و نیز جنگ تحمیلی، در جستجوی داروی التیام بخش، و راهگشای کشاکش زندگی، جهان ساختگی موسیقی را می‌کاود و برای گمشده‌ی خود جیرانی می‌طلبد.

مشکاتیان، از همان آغاز کار، نماینده موسیقی اصیل جدیدی بود که هم از حیث هنر و هم از حیث فکر مترقی بود؛ زمانی که از موسیقی اجتماعی دوری جست، باز برای مخاطبینش با موسیقی‌ای با حال و هوای عرفانی بر می‌انگیخت. در هر حال، باید فلسفه هنری‌اش را از فلسفه سیاسی او جدا کرد. وی نسبت به شرایط فرهنگی و اجتماعی کنونی، بسی اعتنا نبود و حاصل آن اثر منتشر نشده وی با آواز محمدرضا شجریان بر روی شعری از اخوان ثالث به نام «قاصدک» بود که حکایت از اعتراضی به شرایط حاکم می‌کند.
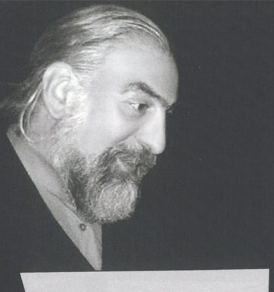
در خاتمه باید گفت: «گرچه مشکاتیان خاموش شد، ولی بیداد او در گلخان عموم بیدار است».